

کودک آزاری و روش های مقابله با آن

تهیه و تدوین : دکتر اصغر آقایی

کودک آزاری، بدترین شکل مجازاتی است که می‌توان برای یک کودک تعیین کرد. با این روش، کودک بقیه عمرش را با زخم‌های روانی، عاطفی و حتی فیزیکی سپری خواهد کرد و همچنین این امر می‌تواند منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیر ذهنی و بدنی در او شود. در برخی موارد، حتی با پایانی غم‌انگیز مواجه می‌شویم که در آن کودک جانش را از دست می‌دهد. نادیده گرفتن علائم کودک آزاری جرم محسوب می‌شود.

آزار عاطفی

آزار عاطفی مواردی را شامل می‌شود که در آن والدین یا فرد بدرفتار، شخصیت کودک را تحقیر، شرم‌منده یا کم‌ارزش می‌کنند. کودک همواره با دیگران مقایسه می‌شود و خوار و بی‌ارزش، موجودی بد و اشتباهی به حساب می‌آید.

دائماً بر سر کودک فریاد کشیده شده یا مورد تهدید قرار می‌گیرد. در واقع او از آزار کلامی در رنج است

کودک هرگز بوسیده نمی‌شود، در آغوش گرفته نمی‌شود و از هر نوع محبت پدری و مادری محروم است. به عنوان مجازات به او بی‌توجهی شده و با رفتاری سرد مواجه می‌شود؛ گویی که وجود ندارد. برخی افراد، خواهر یا برادر کودک و یا حتی حیوانات خانگی را در مقابل چشمان او مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند تا از لحاظ عاطفی به کودک آسیب برسانند.

آزار پزشکی

آزار پزشکی مواردی را شامل می‌شود که در آن یکی از والدین یا سرپرستان، از ارائه درمان پزشکی ضروری و مناسب به کودک خودداری می‌کنند. این خودداری شامل، نزدن واکسن‌های ضروری کودک، نبردن کودک به دکتر در زمان بیماری، تهیه نکردن داروهای مورد نیاز کودک در زمان بیماری و... است

غفلت و بی‌توجهی

غفلت و بی‌توجهی به نوعی کودک‌آزاری گفته می‌شود که در آن نیازهای اولیه کودک برآورده نمی‌شود و شامل عدم تهیه لباس مناسب، غذا، بهداشت و توجه و مراقبتی است که کودک نیاز دارد. در این کودکان هیچ علامت آشکاری از کودک‌آزاری دیده نمی‌شود، اما آنها از درد روانی رنج می‌برند.

آزار آموزشی

آزار آموزشی شامل مواردی است که در آن، والدین یا سرپرست از فرستادن کودک به مدرسه خودداری کرده یا از فراهم کردن آموزش مناسب برای کودک سر باز می‌زنند. نیازهای آموزشی کودک نادیده گرفته شده و او به خاطر این غفلت و بی‌توجهی رنج می‌برد.

آزار جسمی

یکی از شایع‌ترین علائم کودک‌آزاری، آسیب جسمی است. در این نوع کودک‌آزاری کودک ممکن است بیش از کودکان دیگر دچار شکستگی شود و کبودی معمولاً به همراه تورم و التهاب عضلات مشاهده می‌شود. علاوه بر این، می‌توان به علائم شایعی چون خونریزی زخم‌ها، نشانه‌های گازگرفتگی، لرزش و یا ضربه و کوبیدگی اشاره کرد. این نوع سوءاستفاده ممکن است به بدشکلی موقت یا دائم عضو آزاردیده و حتی ناتوانی در کودک منجر شود که در موارد شدید، حتی ممکن است مرگ کودک را به دنبال داشته باشد.

آزار جنسی

یکی از سناریوهای منحرف و وحشتناک کودک آزاری، سوءاستفاده جنسی از کودکان است. سوءاستفاده جنسی اغلب پنهان می ماند زیرا نمی توان علائم این عمل هولناک را دید یا از حکایت های مربوط به آن آگاه شد.

علائم کودک‌آزاری چیست

هر یک از موارد کودک‌آزاری، علائمی را نشان می‌دهند که موجب رنج کودک شده‌اند. به‌عنوان یک فرد مسئول در جامعه، هوشیار بودن و آگاهی از علائم هشدار دهنده کودک‌آزاری از اهمیت زیادی برخوردار است.

علائم فیزیکی کودک آزاری و غفلت و بی‌توجهی

کودک دچار
کبودی، سوختگی
و چشمان سیاه
شده و ورم
کرده‌ای است که
هیچ توضیحی
برایشان وجود
ندارد.

اغلب از
شکستگی
استخوان رنج
می‌برد.

برای مدتی
طولانی از مدرسه
غیبت کرده
است.

کبودی یا
آسیب‌های
جسمانی کمرنگ
شده‌ای روی بدن
کودک دیده
می‌شود.

کودک از ماندن
کنار والدین یا
سرپرستانش
اجتناب می‌کند.

دوست ندارد
پس از مدرسه به
خانه برگردد

نمرات کودک
در مدرسه افت
کرده و با
همکلاسی‌هایش
مشکل پیدا
می‌کند.

خود والدین و
سرپرستان،
دارای سابقه
کودک‌آزاری در
کودکی‌شان
هستند.

والدین
توضیحات متضاد
و متناقضی از
صدمات ارائه
می‌دهند.

با نزدیک شدن
به بزرگسالان
دچار وحشت
می‌شود.

رفتار ضد اجتماعی علائم عاطفی کودک آزاری

کودک شروع به غرولند کرده یا رفتاری آسیب‌زننده از خود نشان می‌دهد.

کودک به‌طور ناگهانی پرخاشگر یا منفعل می‌شود.

کودک رفتارهای بچه‌گانه‌ای مانند کوبیدن سر، انگشت‌مکیدن، خوردن مو، تاب‌خوردن و... از خود نشان می‌دهد.

تلاش برای خودکشی



شروع به تحقیر کردن و
خوار شمردن خود می‌کند؛
مانند جملاتی چون من
بی‌ارزش هستم، من احمق
هستم و....



هنگامی که صدمه
می‌بیند به خود می‌گوید:
این سزاوار من است .



از لحاظ جسمی، عاطفی و
روانی دچار سقوط
می‌شود.



ناگهان دچار لکنت یا
خاموشی در حرف زدن
می‌شود .

علائم غفلت و بی توجهی

کودک همیشه گرسنه است.

از بهداشت شخصی
ضعیفی برخوردار است.

لباس هایش کهنه،
کثیف و مندرس است.

کودک همیشه احساس
خستگی می کند.

علائم غفلت

کودک از مشکلات پزشکی درمان نشده‌ای
رنج می‌برد.

از روی اجبار به زباله گردی روی می‌آورد.

از لحاظ اجتماعی با کسی ارتباط ندارد.

به فردی مخرب تبدیل می‌شود.

علائم کودک آزار جنسی

کودک در راه رفتن و نشستن دچار مشکل می شود.

دچار کابوس های شبانه می شود و رختخواب خود را خیس می کند.

کودک از تغییرات ایجاد شده در اشتهايش رنج می برد؛ یا مقدار زیادی غذا می خورد و یا اصلا هیچ غذایی نمی خورد

علائم کودک آزار جنسی

از عوض کردن لباس‌ها یا کارهای جسمانی
در مقابل دیگران اجتناب می‌کند.

وقتی شخص خاصی به او نزدیک می‌شود،
دچار وحشت شده و احساس ناراحتی می‌کند.

علائم کودک‌آزاری در کودکان نوپا

شاید دیدن کودکی نوپا که مورد اذیت و آزار قرار گرفته باشد، برای اغلب ما غیرقابل درک باشد. با این وجود، این احتمال وجود دارد و باید مراقب علائم کودک‌آزاری در کودکان نوپا بود. کودک نوپا از مهارت‌های کلامی و ارتباطی، برای توضیح دادن آزار و اذیتی که بر او رفته است، برخوردار نیست یا کودک ممکن است از درک وخامت اوضاع عاجز باشد. با این حال، می‌توان شاهد تغییراتی در رفتار آنها بود. باید ببینید که آیا کودک از رفتن به مهدکودک اجتناب می‌ورزد. در برخی موارد، هنگامی که والد یا سرپرست می‌خواهند کودک را در مهدکودک بگذارند، او محکم به آنها می‌چسبد.

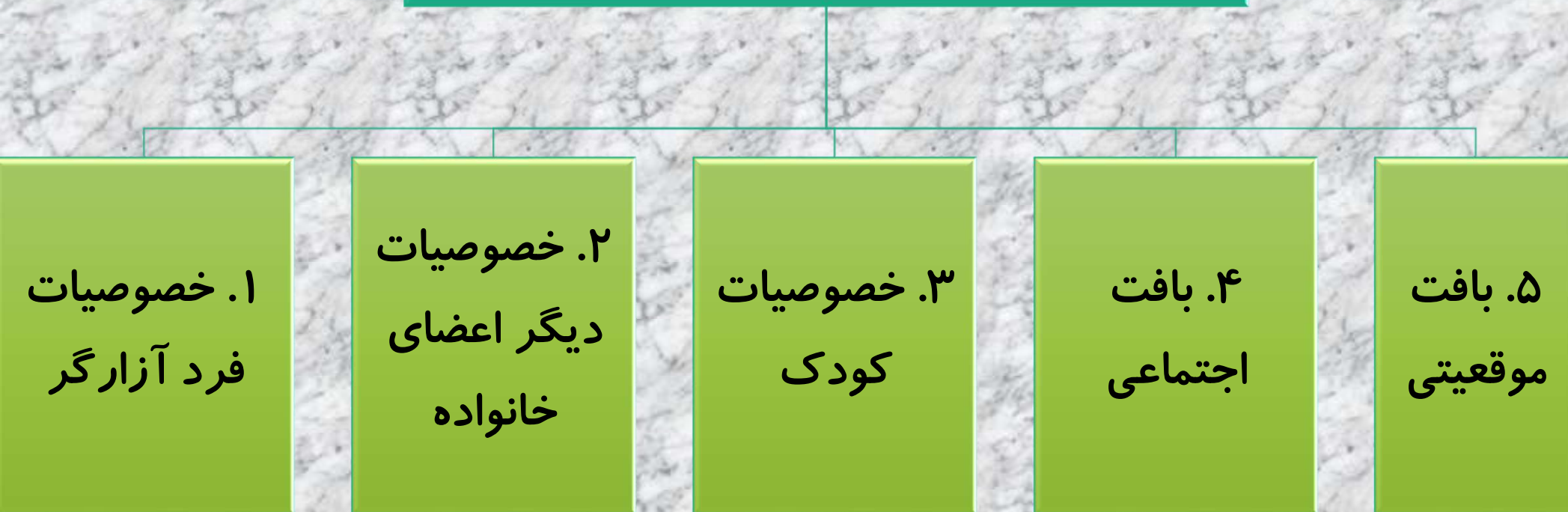
کودک نوپا اگر در خانه مورد اذیت و آزار والدین یا سرپرستانش قرار گیرد، از بودن در کنارشان خودداری می‌کند. کودک ممکن است علائم آزار و اذیت جسمانی را بارها و بارها نشان دهد. کودک نوپایی که مورد سوءاستفاده عاطفی قرار می‌گیرد، بسیار منفعل می‌شود. او حتی ممکن است بسیار متوقع شده و رشد عاطفی و جسمانی‌اش دچار تاخیر شود؛ این به آن معناست که کودک، راه رفتن و صحبت کردن را بسیار دیرتر از همسالانش یاد می‌گیرد.

علائم کودک‌آزاری در بزرگسالان

شما می‌توانید علائم کودک‌آزاری را در بزرگسالان نیز مشاهده کنید و احساس کنید که مشکلی در رابطه آنها با کودکان وجود دارد. این بزرگسال می‌تواند والد، سرپرست، فامیل، معلم یا آشنای خانوادگی کودک باشد. بزرگسال ممکن است هیچ توجهی به کودک نکند؛ مخصوصاً درباره والدین یا سرپرستان بدرفتار صدق می‌کند. در این حالت، والدین، کودک را مسبب تمام مشکلات ایجاد شده می‌دانند. اگر کودک خوب رفتار نکند، با تنبیه‌های شدید جسمانی روبه‌رو خواهد شد.

بزرگسال کودک را موجودی بی‌ارزش و اشتباهی می‌داند و به نیازهای عاطفی، جسمانی یا اولیه او هیچ توجهی نمی‌کند. کودک هم تا آنجا که برایش امکان‌پذیر باشد، تلاش می‌کند از نزدیک شدن به والدین دوری کند. توجه به برخی از علائم هشداردهنده کودک‌آزاری از اهمیت بیشتری برخوردار است. اگر به کودکی که می‌شناسید و نگران حالش هستید، اهمیت می‌دهید، در صورت دیدن برخی از علائم مذکور در کودک، مراتب را حتماً به پلیس اطلاع دهید یا با اورژانس اجتماعی تماس بگیرید و آنها را در جریان بگذارید.

پنج عامل اساسی مؤثر در کودک آزاری



آثار و پیامدهای کودک آزاری

مطالعات متعدد آثار اولیه دراز مدت کودک آزاری را در قربانیان نشان داده است. آثار اولیه ممکن است شامل ترس های شدید، اضطراب، احساس گناه، افسردگی، مشکلات بین فردی و رفتارهای نامناسب باشد. علاوه بر نتایج فوری جسمی و روانی، کودکانی که قربانی خشونت خانواده هستند مستعد برخی مشکلات رشدی می شوند.

نوزادانی که با آنها بدرفتاری می شود، به احتمال زیاد نسبت به مادران خود به طور مضطرب دلبسته می شوند؛ در حالیکه کودکان عادی این چنین نیستند. از لحاظ عاطفی این کودکان منزوی و منفعل هستند یا پرخاشگری و رفتارهای مخالفت آمیز بروز می دهند. کودکانی که مورد بدرفتاری و غفلت قرار گرفته اند، در بزرگسالی احتمال بروز رفتارهای خشونت بار در آنها بیشتر است.

در یک مطالعه، محققان به مدت سه سال زنانی را که در کودکی مورد بدرفتاری قرار گرفته بودند پیگیری کردند و متوجه شدند که ۷۰ درصد آنها با کودکان خود بدرفتاری می کنند و یا به صورت ناکارآمد از کودکان خود مراقبت می کنند، در حالی که مادرانی که مورد بد رفتاری قرار نگرفته بودند، با کودکان خود چنین رفتاری نداشتند.



بزرگسالانی که در کودکی مورد تجاوز
(کودک آزاری جنسی) قرار گرفته اند ممکن
است در روابط زناشویی، خانوادگی و بین
فردی کارکردی معیوب داشته باشند و رفتار
خود تخریبی، عزت نفس پایین، افسردگی
مزمّن و ناسازگاری جنسی را تجربه کنند

آثار بد رفتاری بر کودکان، متعدد و جدی است که در شدیدترین حالت باعث مرگ کودک می شود. آسیب مغزی، ناتوانی در یادگیری، عقب ماندگی ذهنی، عقب ماندگی ثانویه، رفتارهای ضد اجتماعی و پرخاشگرانه، بزهکاری و رفتار مجرمانه بزرگسالی از جمله آثار کودک آزاری است. توجه به آثار کوتاه مدت و دراز مدت کودک آزاری در ارائه طرح درمانی مناسب از اهمیت بسیار برخوردار است.

درمان (Treatment)

مشاور یا درمانگر در طراحی برنامه درمانی خود
دو موضوع مهم را باید مورد توجه قرار دهد،

اول عوامل بروز بدرفتاری

دوم آثار بد رفتاری

نحوه برخورد و واکنش مشاور در مقابل این عوامل ممکن است متفاوت باشد و برنامه های مداخلاتی متفاوتی را پیش روی درمانگر قرار دهد. برای مثال در صورتی که علت اصلی کودک آزاری، خانواده باشد و اثر این بدرفتاری انزوا و گوشه گیری مراجع، درمانگر طرح خود را از یک طرف بر درمان خانواده و آموزش خانواده متمرکز می سازد و از طرف دیگر به درمان مراجع و آثار کودک آزاری می پردازد.

به هر حال مداخله در کودک آزاری صرفاً به درمان یا مشاوره کودک اختصاص نمی یابد. بلکه در مان والدین و حتی سایر اعضای خانواده، همچون خواهران و برادران را نیز در بر می گیرد. اگر چه کودک یقیناً نیازمند برخی شیوه های درمانی در رابطه با آثار کودک آزاری است؛ اما از آنجا که در خانواده ها، والدین اغلب بیشترین عاملان کودک آزاری هستند، تمرکز مداخله روی آنها نیز ضروری است.

پویایی ها و ویژگی های کودک آزاری ایجاب می کند که رویکرد درمانی درمانگر، با مراجع منطبق باشد. این نه تنها مستلزم استفاده از دامنه وسیعی از روش های درمانی است، بلکه نیازمند یک رویکرد درمانی چند وجهی و التقاطی نیز هست. البته به کارگیری ترکیبی یا جداگانه رویکردها و روش های درمانی، به نیازها و خواست های مراجع بستگی دارد.

علیرغم روش ها و جنبه های درمانی که مشاور یا درمان گر به کار می گیرد، درمان گران باید رویکردی را اتخاذ نمایند که حتی الامکان جنبه های عاطفی، شناختی و رفتاری را مورد رسیدگی قرار دهد. درمان در این زمینه معمولاً هنگامی بسیار مؤثر است که یا به شیوه گروه درمانی یا به صورت درمان فردی باشد. درمان فردی معمولاً برای آن دسته از مراجعان که نسبت به شرکت در گروه احساس خوشایندی ندارند، مؤثر است. خانواده درمانی بر ایجاد تعامل مجدد و پیوستگی دوباره خانواده تأکید دارد و بر درمان آثار بین فردی و تعاملی اعضا متمرکز است.

فرایند درمان بدرفتاری ممکن است طولانی و پیچیده باشد. درمان مستلزم صرف زمان و انرژی است. بعضی از مراجعان نمی توانند بپذیرند که در یک فرایند درمانی طولانی مدت شرکت کنند، در این صورت درمانگر می تواند با توجه به نیازها و خواسته های مراجع و با فراهم کردن یک محیط درمانی امن، درمان کوتاه مدت را طراحی و یک قرارداد درمانی با مراجع تنظیم نماید. این قرارداد شامل اهداف اختصاصی و مشخصی است که در یک چارچوب زمانی معین تدوین می گردد.

اغلب قربانیان کودک آزاری، خود را در قبال وقوع آزار و بدرفتاری مسئول می دانند، بعضی دیگر مسئولیت بدرفتاری را به این دلیل که از او حمایت نکرده اند بر گردن پدر و مادر یا سایر اعضای خانواده می اندازند. از آنجا که این احساسات نباید انکار شوند این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است و مشاور باید این موضوعات را در نظر گیرد.

این مهم است که موضوع مسئولیت کشف شود و مراجع احساس کند که درمانگر عقیده ندارد که او مسئول وقوع بدرفتاری است. مراجع ممکن است احساساتش را درباره مسئولیت کودک آزاری مورد سؤال قرار دهد. موضوع مسئولیت به ویژه در ارتباط با کودک آزاری جنسی دارای اهمیت بیشتری می باشد

دختر ۱۷ ساله ای به نام (م-ش) به وسیله مدیر دبیرستان به مرکز مشاوره اداره بهزیستی معرفی می شود. مشکل او به زمانی بر می گشت که در کلاس پنجم ابتدایی (یعنی حدود یازده سالگی) مشغول تحصیل بود. در همان سال، پسر عموی او برای ادامه تحصیل به شهر می آید و پدر (م-ش) زمینه اقامت برادرزاده اش را در کنار خانواده خود فراهم می کند. یکی از روزهایی که خانم (م-ش) در منزل تنها بود، پسر عموی او با نوازش و ... زمینه بهره کشی جنسی را تا حد ارضای خود فراهم می کند و این مسئله در طول سال تحصیلی ادامه می یابد، که نه تنها موجب افت تحصیلی (م-ش) می شود؛ بلکه آثار عاطفی آن برای مدت ها باقی می ماند.

از موضوعات مهمی که (م_ش) با آن رو به رو بود، مسئولیت واقعه بود. از یک طرف شدیداً خود و والدینش را مقصر می دانست و از اینکه والدین او را در منزل تنها گذاشته اند و با دادن اجازه اقامت به پسر عمو، شرایط وقوع این حادثه را فراهم کرده بودند، ناراحت بود. او بیش از همه به مادر خود خصومت می ورزید و از دیدن پسر عموی خود که دیگر ازدواج کرده و دو فرزند دارد، شدیداً ناراحت و نگران می شد. او از اینکه پسر عمویش، این رویداد را فراموش کرده و با این مسئله با آرامش برخورد می کند بیشتر ناراحت می شد.

در این شرایط درمانگر با طرح سؤال و با بحث درباره موضوع مسئولیت، سن و سال قربانی در هنگام وقوع حادثه، مشغله ها و مسئولیت های روزمره والدین با کمک مراجع به سمت مشخص کردن عامل ارتکاب (پسرعمو) جلسه را در جهت کاهش اضطراب و نگرانی های (م-ش) هدایت می کند.

بعضی از مراجعان احساسات مرتبط با تجربه کودک آزاری خود را انکار می کنند؛ زیرا بیان تجربه کودک آزاری به اندازه خود آن فشارآور است و موجب اضطراب و وحشت می شود. بعضی از مراجعان معتقدند اگر احساساتشان را بیان کنند، کنترل خود را از دست می دهند و به مرز انفجار می رسند. ترس عمومی دیگری که آنها با آن رو به رو هستند، تجربه مجدد بدرفتاری است که در ارتباط با کودک آزاری جنسی اهمیت بیشتری می یابد.

به هر حال احساسات و آشفته‌گی که در ارتباط با
حادثه بدرفتاری دوباره تجربه می‌شوند، بخش
مهمی از فرایند مشاوره و بهبود مراجع
محسوب می‌شود.

درمان گر ضمن این که به این احساسات احترام می گذارد، به مراجع اطمینان می دهد که در حال حاضر از امنیت لازم برخوردار است و کسی نمی تواند به او آسیب برساند. تشویق مراجع به رها سازی هیجانات و احساسات در یک محیط امن، او را قادر خواهد کرد که کمتر وحشت زده شود و هیجانات خود را کنترل کند.

(م-ش)، ابتدای ورود به جلسات مشاوره با اضطراب، نگرانی، گریه های متناوب و ... مسائل خود را مطرح می کرد. درمانگر با فراهم نمودن شرایط و مطمئن ساختن او و تأکید بر امنیت محیط و محرمانه ماندن مسائل مطرح شده، تا حدی واکنشهای او را کاهش داد. یکی از نگرانی هایی که خانم (م-ش) داشت و این نگرانی را به محیط مدرسه و منزل و ... نیز انتقال می داد، نگرانی از آثار جسمی روابط جنسی بود. (م-ش) ابراز می داشت که نمی تواند با هیچ فردی در این مورد حرفی به میان بیاورد و با مادرش نیز احساس صمیمیت و نزدیکی نمی کند.

(م-ش) ابراز می کرد: "این اواخر فردی به خواستگاریم آمده و این بر نگرانی من افزوده است. " خانم (م-ش) نمی توانست خاطره این رویداد را به خوبی بازایی کند و به طور ضمنی بر این تأکید داشت که شاید آثار جسمی این واقعه باقی مانده باشد. اگر چه احتمال بروز سندرم حافظه خطاکار در این باره می رفت اما با کمک خانم مددکار و هماهنگی تلفنی با تنها متخصص زنان و زایمان مستقر در شهر، زمینه معاینه از خانم (م-ش) فراهم شد و پزشک متخصص نیز با مطمئن نمودن او مبنی بر سلامت کامل، بخش مهمی از نگرانی های او را مرتفع نمود و شرایط بهتری برای تداوم جلسات بعدی مشاوره فراهم نمودن محیط امن برای مراجع اشاره دارد، به خوبی نشان دهنده هماهنگی و کار تیمی در یک مرکز مشاوره است.

یکی از هدف های مهم درمان و مشاوره بدرفتاری، ایجاد مهارت هایی است که مراجع بتواند در زندگی واقعی خود و خارج از فرایند مشاوره آنها را به کار گیرد. در خلال این فرایند به مراجعان این فرصت داده می شود که مهارت های اساسی را کسب کنند مانند اینکه چگونه از خود دفاع کنند، چگونه به طور واضح و آشکار ارتباط برقرار کنند، چگونه توانایی حل مسئله و تصمیم گیری را در خود افزایش دهند و تعارض ها را حل کنند، چگونه در روابط خود با دیگران صمیمیت به وجود آورند و در عین حال آن را حفظ کنند و این که چگونه مرزهای بین خود و دیگران را مشخص نمایند.

در صورتی که مراجع بزرگسال است، مهارت های والدینی مثبت و مؤثر نیز آموزش داده می شود. مشاور یا درمان گر با فراهم آوردن یک الگوی مناسب می تواند این روند را تسهیل کند و رفتارها و مهارت های مثبت و مؤثر مورد نیاز مراجع را تشویق کند.